

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا، جلسه ۱۸، رستگاری، حیات ابدی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس الهیات یوحنا. این جلسه ۱۸، نجات، حیات ابدی است.

ما مطالعات خود را در الهیات یوحنا با در نظر گرفتن نجات به عنوان حیات ابدی ادامه می‌دهیم، همانطور که در مورد بسیاری از مضامین انجیل چهارم نیز همینطور است.

همانطور که حدس زدید، حیات جاودان در مقدمه معرفی شده است. در ابتدا کلمه بود، و کلمه با خدا بود و کلمه خدا بود. او در ابتدا با خدا بود.

همه چیز به واسطه او آفریده شد و بدون او چیزی از موجودات آفریده نشد. در او حیات بود و حیات نور آدمیان بود. نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی بر آن چیره نشده است.

جان مضامین زندگی و نور را در هم می‌آمیزد. باز هم، من اثر آندریاس کوستنبرگر را تحسین می‌کنم. *الهیات انجیل یوحنا و نامه‌ها*؛ فکر می‌کنم عنوانش این باشد. و برای اطلاعات بیشتر در مورد این در هم تنیدگی، اما در حال حاضر، من آنها را از هم جدا کرده‌ام و اکنون در مورد حیات ابدی بحث می‌کنیم.

ما در مورد عیسی به عنوان نور بحث کردیم، تحت عنوان «من می‌گویم من نور جهان هستم». «در لوگوس، در کلمه، حیات بود. هر جا که در انجیل چهارم از کلمه یونانی «زو» «به معنای حیات استفاده شده است، منظور حیات ابدی است.

حیات ابدی در کلام بود. اگر می‌خواهید بدانید که کجا ساکن بود، جای آن در کلام بود. او، همانطور که آیه می‌گوید، از نظر حیات آفریده شده، حیات‌بخش بود ۳.

همه چیز به واسطه او آفریده شد، و این یک جمله جامع است زیرا نه تنها جنبه‌های مثبت را تأیید می‌کند بلکه جنبه‌های منفی را نیز رد می‌کند. بدون او، هیچ چیز آفریده نشده است. او همه چیز را آفریده است.

در واقع، در او حیات بود. جایگاه حیات ابدی در لوگوس است. و آن حیات ابدی در لوگوس، منبع حیات تمام مخلوقات، آیه ۳، نور انسان‌ها بود.

این وحی خدا بود که بر بشریت می‌تابید». از مردان «یک مفعول مفعولی است». نور «اسم فعل است.

نور، تابش می‌کند، روشن می‌سازد و بر انسان‌ها می‌درخشد. یعنی، کلام، نویسنده‌ی وحی عمومی است. چیزهایی که خدا آفریده است، بر او به عنوان خالق شهادت می‌دهند.

به طور خاص، پسر نماینده پدر در خلقت بود. نه تنها در اینجا در یوحنا ۱:۳ و ۴ تعلیم داده شده است، بلکه در کولسیان ۱ و عبرانیان ۱ نیز همینطور. حیات ابدی در پسر بود.

این آیه از رستگاری سخن نمی‌گوید. از آفرینش سخن می‌گوید. و منشأ آن آفرینش، آن خدای ازلی است.

منشأ تمام حیات آفریده شده، حیات بود. حیات جاودان در کلام خدا. شخص دوم تثلیث

پسر، نور، کلمه. بنابراین، البته، وقتی نور به جهان می‌آید، او همچنان خدا را آشکار می‌کند. اما اکنون، به طرز نجات‌بخشی، گناهکاران را روشن می‌کند.

یوحنا ۳، ۱۴ و بعد از آن. همانطور که موسی مار را در بیابان بلند کرد. ما قبلاً با این یکی برخورد کردیم.

اعداد ۲۱. همانطور که موسی مار را در بیابان برافراشت، پسر انسان نیز باید برافراشت شود تا هر که به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته باشد. در اینجا هر که بخواهد، متنی نادرست و از مد افتاده ارائه شده است.

هر که به او ایمان آورد، حیات جاودان دارد. این حیات جاودان، حیات خداست که به کسانی که در تاریکی هستند داده شده است. در تاریکی جهل خدا، در تاریکی گناه.

وقتی خدا آنها را به طرز نجات‌بخشی روشن می‌کند، تاریکی جای خود را به نور می‌دهد. جهل به دانش تبدیل می‌شود. گناه به تقدس تبدیل می‌شود.

ایمان به پسر، حیات جاودان را به ارمغان می‌آورد. زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد، یوحنا ۱۶: ۳، که پسر یگانه خود را داد، تا هر که دوباره به او ایمان آورد، هلاک نگردد، بلکه حیات جاودان یابد. در اینجا، حیات جاودان، نقطه مقابل هلاک شدن است.

این زبان، واژگان نابودی است که ما آن را می‌نامیم. که در کتاب مقدس در نهایت از دردهای جهنم سخن می‌گوید. مجازاتی آگاهانه و ابدی به دور از خداوند و جلال و شادی او.

حال بیایید در این مورد روشن باشیم. خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند. او می‌خواهد جهان را از طریق او نجات دهد.

و هر که ایمان بیاورد، محکوم نمی‌شود، اما هر که ایمان نیاورد، از قبل محکوم شده است. زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است. حیات جاودان به عنوان هدیه‌ای از جانب حیات‌بخش عطا می‌شود.

کلمه مجسم که به همه چیز حیات، حیات فیزیکی، بخشید. حتی قبل از تجسم به عنوان نماینده پدر در خلقت. یوحنا ۱: ۳ و ۴. اکنون او مجسم شده است و حیات می‌بخشد.

یوحنا ۳، دو آیه آخر. پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است. هر که به پسر ایمان آورد، حیات جاودان دارد.

پسر اطاعت نکند، حیات را نخواهد دید. بلکه خشم خدا بر او می‌ماند.

این فرجام‌شناسی تحقق‌یافته است. بُعد از پیش موجود زندگی و خب، مرگ. از مرگ استفاده نمی‌کند، بلکه از خشم استفاده می‌کند.

هر که به پسر ایمان آورد، پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است. به زبان پولس، پسر خداوند است.

یوحنا هم از آن استفاده می‌کند، اما پولس خیلی بیشتر از آن استفاده می‌کند. مثل یوحنا ۱۷: ۱ و ۲ است. تو به او بر تمام بشر اقتدار داده‌ای. این آیه ۳۵ است.

پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است. و برخلاف آیات ۱: ۱۷ و ۲ که از خداوندگاری جهانی پسر به برگزیدگی می‌رسد، در اینجا، خداوندگاری جهانی پسر با ایمان و کفر دنبال می‌شود.

باز هم، به ما می‌آموزد که باید آموزه‌های کتاب مقدس را در تنش نگه داریم. در تعادل، به دلیل کمبود کلمه بهتر. هر کس که به پسر ایمان داشته باشد، اکنون حیات جاودان دارد.

، او، او آن را به طور کامل‌تر در آسمان‌ها و زمین جدید خواهد داشت. این لهجه‌ی یوحنا نیست. در واقع وقتی آن را می‌بینید، آن را پیدا می‌کنید، می‌گویید، آه، آنجاست.

چون بیشتر اوقات، از هر ده بار، نه بار، حیات ابدی. اغلب به آن حیات ابدی می‌گویند، گاهی هم زندگی

اشاره به یک واقعیت. اگرچه با صفت ابدی رایج‌تر است. اما هر دو به معنای زندگی ابدی هستند.

گاهی اوقات، یوحنا از عبارت مختصر «حیات» استفاده می‌کند. هر که به پسر ایمان آورد، اکنون حیات جاودان دارد. هر که از پسر اطاعت نکند، نافرمانی معادل ایمان است.

همانطور که قبلاً گفتم، چون انجیل یک فرمان است. و اطاعت از انجیل به معنای ایمان آوردن است. نافرمانی از انجیل به معنای رد کردن انجیل است.

پسر اطاعت نکند، حیات را نخواهد دید، نه اکنون و نه در عصر آینده.

زندگی فقط وجود داشتن نیست. هر انسانی تا ابد وجود خواهد داشت. زندگی، یوحنا ۳: ۱۷، شناخت پدر و پسر است.

زندگی، داشتن حیات خدا در درون خود است. هر که از پسر اطاعت نکند، حیات را نخواهد دید. بلکه خشم خدا بر او می‌ماند.

ما خشم را به عنوان یک ایده آینده‌نگرانه مرتبط با جهنم در نظر می‌گیریم. همینطور هم هست، اما یک بار دیگر، انجیل چهارم، آخرت‌شناسی است. بخشی از آن به اصطلاح آخرت‌شناسی منسجم است.

این مربوط به آینده است. یک مرحله نهایی از زندگی ابدی برای صالحان رستخیز یافته در زمین جدید وجود دارد. یک مرحله نهایی برای خشم خدا وجود دارد که در آن مردم به آتش ابدی، به جهنم، به دریاچه آتش. به مرگ دوم، به جهنم افکنده شدند.

پسر ایمان نیاورد، از قبل محکوم شده است، یوحنا ۳: ۱۸. و در اینجا در ادامه این فصل، تضاد بزرگی ارائه شده است. مؤمنان به پسر، اکنون و تا ابد حیات جاودان را به دست می‌آورند. این حیات جاودان است.

این تا ابد ادامه دارد. کافران نه اکنون و نه برای همیشه حیات جاودان را نمی‌بینند. بلکه خشم خدا بر آنها باقی می‌ماند.

من این را به عنوان رحمت خدا می بینم که اکنون گناهکاران را از خشم آینده آگاه می کند. اگرچه در انجیل یوحنا، خشم آینده از قبل آمده است. اما این مقدمه ای بر خشم ابدی بزرگتری است، البته که این لطف خداست.

اگر او به مردم می گفت همه چیز خوب است در حالی که اصلاً خوب نبود، این خوب نمی شد. همانطور که لوتر به ما یادآوری می کند، او تعلیم می داد که برای درک خبر خوب، خبر بد ضروری است. از نظر معرفت شناختی، کاکانگلیون مقدمه ای برای درک اوانگلیون، پیام خوب، خبر خوب است.

ما در فصل ۴، زندگی ابدی را با زن کنار چاه می بینیم. باز هم، طنز بزرگ بین فصل های ۳ و ۴ را از دست ندهید. در فصل ۳، هر یهودی انتظار دارد، نیکودیموس، داری شوخی می کنی؟ یک مرد یهودی، فریسی عضو سنهدرین و یک معلم مشهور در اسرائیل. این مرد در حال حاضر در پادشاهی خدا است.

نه؟ او، پس او درست در آستانه ی آن است. خدای من. عیسی می گوید که او از پادشاهی خدا دور است و الفبا را نمی فهمد.

در واقع، وقتی او درباره تولد تازه صحبت می کند، درباره چیزهای عجیب و غریبی مثل دوباره وارد شدن به رحم مادر صحبت می کند. و بعد فصل ۴، خدای من. اگر تا به حال روحی برای ترحم وجود داشته باشد، منصفانه یا خوب یا عادلانه نیست، اما زنان در زندگی فلسطینیان قرن اول تحقیر می شدند.

و زن سامری؟ داری شوخی می کنی؟ شاگردان واقعاً از اینکه ری عیسی در ملاء عام با یک زن، چه برسد به یک زن سامری، صحبت می کرد، شوکه شدند. و اگر پیشینه او را می دانستند، غذایی را که حمل می کردند، رها می کردند. او یک زن بود، یک سامری، نژادی که در نظر اسرائیل منفور بود.

و به چیز خیلی بدنام. عیسی میگه تو تو این 18 سال پنج تا شوهر داشتی، و اونی که الان داری شوهرت نیست. هیچکس اینو بهش نگفته بود.

بنابراین، من متوجه شدم که شما یک پیامبر هستید. و او به سرعت به سوال الهیاتی در محل عبادت می پردازد. اما او صادق است.

وای. داره روی ششمین مردش کار می کنه. این چیزا تو قرن اول مُد نیست، فرقی هم نداره کجا زندگی کنی.

خدای من. چقدر غیرمنتظره. فریسی بزرگ، عضو سنهدرین، معلم و یک اسرائیلی.

خدا می داند چگونه متکبران را فروتن کند. و او می داند چگونه فروتنان را بالا ببرد، همانطور که ضرب المثل می گوید. همانطور که مریم در کتابش می گوید.

آیا او می داند چگونه؟ یعقوب و اول پطرس هر دو. خدا با متکبران مخالف است، اما به فروتنان فیض می بخشد. این یک تفکر عهد عتیق است.

من مرجعش را به خاطر ندارم. اما یعقوب، یک مسیحی عهد عتیق، مطمئناً این یکی را می داند. خدا متکبران را فروتن می کند و فروتنان را سرافراز.

پس خود را زیر دست نیرومند خدا فروتن سازید تا او شما را در زمان مناسب سرافراز کند. زیرا او به فکر شماست. به همین ترتیب، شما که جوان تر هستید، اول پطرس ۵: ۴، مطیع بزرگان باشید.

همگی شما، نسبت به یکدیگر فروتنی را به خود بپوشانید. زیرا خدا با متکبران مخالفت می‌کند و فروتنان را فیض می‌بخشد. می‌دانم که این موضوع سابقه‌ای در عهد عتیق دارد.

من فقط آن را به سرعت نمی‌بینم. پس خود را زیر دست قدرتمند خدا فروتن کنید تا در زمان مناسب شما را سرافراز کند و تمام نگرانی‌های خود را به او بسپارید، زیرا او به فکر شماست. خدا نیکو دیموس را فروتن می‌کند.

و اگر این روش مناسبی برای گفتن است، باید از نیکو دیموس تقدیر کرد، زیرا او گوش داد. او فروتن شد. او در فصل ۷ از عیسی دفاع کرد و در فصل ۱۹ برای رسیدگی به بدن مصلوب عیسی وقت و پول داد.

او فروتن شده بود. زن سامری، او از همان ابتدا نمی‌توانست فروتن‌تر از این باشد. در نهایت او به عنوان یک زن مبشر ظاهر می‌شود، مردان شهر برای شنیدن سخنان عیسی به آنجا هجوم می‌آورند.

آنها برای شنیدن سخنان عیسی هجوم می‌آورند، زیرا او گفته بود، بیایید و سخنان مردی را بشنوید که هر آنچه را که من تا به حال انجام داده‌ام به من گفته است. متأسفانه آنها دقیقاً می‌دانستند که این به چه معناست. و به دلیل تلاش‌های او، گفتند، اکنون می‌دانیم که این مرد ناجی جهان است.

این خیلی پیشرفته است، ما آن را در اسرائیل، در هیچ یک از انجیل‌ها نمی‌یابیم. خدا حس شوخ‌طبعی دارد. او نمی‌گوید که یوحنا چیزی را از خودش دری‌آورد.

اما اکنون ما ایمان داریم، نه فقط به خاطر آنچه شما گفتید، بلکه خودمان شنیده‌ایم و می‌دانیم که او واقعاً نجات‌دهنده جهان است. در این زمینه که خداوند فروتنان را بالا می‌برد، آیه ۱۴ را داریم. او از او نوشیدنی خواست.

او باورش نمی‌شود. چطور تو، یک یهودی، از من، یک زن سامری، آب می‌خواهی؟ اگر می‌دانستی موهبت خدا چیست، ۴۱۰، و چه کسی به تو می‌گوید، به من آب بده، از او می‌خواستی، و او به تو آب زنده، به معنای مضاعف، آب روان، می‌داد. آه، این خوب به نظر می‌رسد.

این گردن دردی است. دیگر لازم نیست اینجا بیایم. آقا این را به من بدهید.

این خیلی راحت خواهد بود. اول از همه، او می‌گوید، این آب را از کجا می‌خواهی بیاوری؟ تو حتی سطل هم نداری. من نمی‌فهمم.

چطور می‌خواهید بدون سطل از چاه آب بکشید؟ نمادگرایی را که یوحنا با قدرت به کار می‌برد، به خاطر داشته باشید. نان، آب، نور. آقا، این آب را به من بدهید، آیه ۱۵ تا تشنه نشوم یا مجبور نباشم برای کشیدن آب به اینجا بیایم.

او معامله‌ی شوهر را انجام می‌دهد. زن تصدیق می‌کند و می‌گوید کوه جریزیم جایی است که باید عبادت کنی. ما هم همین فکر را می‌کنیم.

اشتباه می‌کنی. رستگاری از آن یهودیان است. باید در اورشلیم عبادت کنی، اما الان، من دارم این را باطل می‌کنم.

خدای من .باورنکردنیه .اما نگرانی ما ۴:۱۴ هست

،هر که از این آب چاه یعقوب بنوشد، دوباره تشنه خواهد شد .البته .اما هر که از آبی که من به او می‌دهم یعنی آب روحانی، بنوشد، دیگر هرگز تشنه نخواهد شد

آبی که به او می‌دهم، در او به چشمه‌ای از آب تبدیل خواهد شد .این همان چیزی است که او می‌خواست .اما این یک چشمه‌ی آبی استعاری و معنوی است که تا حیات جاودان می‌جوشد

قبلاً به شما گفتم، دانستنش برایم سخت است .مطمئنم که روح القدس و حیات جاودان هر دو در آن دخیل هستند .آیا آب خود حیات جاودان است؟ آیا آب روح القدس است که حیات جاودان را تولید می‌کند؟ من به درب شماره دو رأی می‌دهم، اما مطمئن نیستم

نکته اصلی این است که، به نظر من، یک توهم در مورد روح وجود دارد، بدون اینکه از روح نامی برده شود .و مطمئناً حیات جاودان وجود دارد .عیسی مسیح، دهنده حیات جاودان است

حتی به زنان بدکار سامری که ایمان آورده و قلب خود را به روی او باز می‌کنند .۵:۲۱ .همانطور که پدر مردگان را زنده می‌کند و به آنها زندگی می‌بخشد، پسر نیز زندگی می‌بخشد

یک عبارت مستقیم وجود دارد که پسر، حیات بخش است .همانطور که پدر مردگان را زنده می‌کند، اگر تا به حال چنین کاری وجود داشته باشد، این یک کار الهی است و به آنها زندگی می‌بخشد، آیا این یک تجدید حیات است یا رستخیز؟ من قصد دارم در متن اصلی، تجدید حیات را پیشنهاد کنم .البته هر دو درست هستند

پسر هم به هر که بخواهد زندگی می‌بخشد .وای خدای من .این که انتخابات نیست

این تجدید حیات توسط پسر است .پسر اکنون به هر کسی که بخواهد، حیات جاودان می‌بخشد .این حاکمیت پسر است

بسیاری از اوقات، شما معمولاً به پسر برای حیات جاودان ایمان دارید .حال، همانطور که پدر با اقتدار به مردگان حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد حیات می‌بخشد .پدر بر هیچ کس داوری نمی‌کند، بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است تا آنها پسر را همانطور که به پدر احترام می‌گذارند، گرامی بدارند

انجیل یوحنا در مورد الوهیت مسیح بسیار واضح است، بارها و بارها و به طور مداوم .در آیه ۵۲۱، به صراحت آمده است که پسر حیات می‌بخشد .و ما این را در آیه ۲۴ می‌بینیم

به راستی، به شما می‌گویم، هر که کلام مرا بشنود و به من ایمان آورد، به فرستنده‌ی من ایمان آورده است؛ عیسی به راستی وحی کننده‌ی خداست .اگر کلام او را بشنوید و ایمان آورید، خود به خود به پدر ایمان آورده‌اید .آن کس که کلام عیسی را باور کند، حیات جاودان دارد

بنابراین، او می‌توانست در آیه ۶ بگوید، کلمات من روح و حیات هستند .آنها آنقدر حامل پیام حیات جاودان هستند که او می‌تواند اینگونه صحبت کند .کلمات او حیات جاودان هستند

آه، این یک کنایه است. سخنان او چنان با زندگی ابدی مرتبط هستند که گویی یکی جایگزین دیگری شده است. کنایه نوعی استعاره است که در آن دو چیز چنان به هم مرتبط می‌شوند که یکی جایگزین دیگری می‌شود.

اگر امروز در روزنامه بخوانید یا پیامی بشنوید، مثلاً پیامی از کاخ سفید بیرون آمده باشد، می‌گویید، از یک خانه؟ اینجا چه خبر است؟ نقاشی خانه؟ نه، می‌گویید، آه، یعنی از دفتر است. به دلیل ارتباط دفتر ریاست جمهوری ایالات متحده با کاخ سفید، حتی به آن فکر هم نمی‌کنید. می‌فهمید که پیامی از رئیس جمهور است.

به همین ترتیب، هر که کلام عیسی را بشنود و به پدر ایمان آورد، حیات جاودان دارد. او به داوری نمی‌آید، بلکه از مرگ به حیات منتقل شده است. کلام حیات بخش عیسی، کلام حیات بخش حیات بخش، انسان‌های بی‌حیات را احیا می‌کند.

وای. به راستی به شما می‌گویم، ساعتی در راه است و اکنون فرا رسیده است. این همان چیزی است که از قبل اتفاق افتاده است.

وقتی مردگان صدای پسر خدا را بشنوند، کسانی که می‌شنوند زنده خواهند شد. زیرا پدر در خود حیات دارد. این بخشی از خدا بودن خداست.

بنابراین او به پسر نیز حیات در خودش را عطا کرده است. می‌توانید آن را نادیده بگیرید. من در اینجا با نظر دادستان کارسون مخالفم.

او مطمئناً با نوشته‌هایش معلم من است. او فکر می‌کند این بیانیه‌ای از نسل ابدی پسر است. من این تصور را انکار نمی‌کنم که خدا همیشه پدر پسر بوده و پسر همیشه پسر پدر بوده است.

با این حال، فکر نمی‌کنم اینجا صحبت از روابط بین تثلیثی پیش از تجسم باشد. فکر می‌کنم اینجا صحبت از امور تجسمی است. از آنجایی که پدر ذاتاً در خود حیات دارد، خدای پدر خدای زنده است.

بنابراین او به پسر مجسم شده حیات در خود عطا کرده است. او توسط روح، نقشه کشیده و اجرا کرده است. تجسم پسر ابدی.

تا این مرد، عیسی، در خود حیات جاودان داشته باشد و به دیگران حیات بخشد. و به همین دلیل است که او اختیار داوری دارد. پدر این اختیار را به او داده است.

و پدر، همانطور که خواندیم، تمام قضاوت را به پسر داده است. از این تعجب نکنید. اکنون از رستاخیز روحانی تعجب نکنید زیرا زمانی فرا می‌رسد که رستاخیز جسمانی و واقعی رخ خواهد داد.

و این صدای پسر انسان نیز خواهد بود. بنابراین، آنها حق دارند بگویند که عیسی بسیار دقیق بود. او گفت. لازاروس، بیرون بیا.

او نمی‌خواست که عده زیادی بیایند و او را بزرگ کنند. او نمی‌خواست که کل قبرستان را خالی کند، به اصطلاح. عیسی مسیح، بخشنده حیات جاودان است.

اگر بخواهید، او حیات جاودان مجسم است. و به کلام او، افرادی که از نظر روحانی مرده هستند، از مرگ روحانی به حیات روحانی منتقل می‌شوند. آنها از نو زاده می‌شوند.

آنها دوباره متولد شده‌اند. آنها از جانب خدا متولد شده‌اند. آنها حیات جاودان دارند، به زبان پولس، اکنون در بدن‌های فانی

و روزی، ما در بدن‌های جاودانه حیات جاودان خواهیم داشت، زمانی که پسر، با صدای او، آنها را به همراه سایر مردگان، چه صالح و چه غیرصالح، برخیزاند. برمی‌گردیم به باب ۱۷، یوحنا ۱۷. البته، آنجا حیات جاودان وجود دارد.

فکر می‌کنم می‌توانید با استفاده از مقدمه و دنبال کردن مضامین از آنجا، یک دوره کامل در مورد انجیل یوحنا برگزار کنید. فکر می‌کنم می‌توانید با استفاده از یوحنا ۱۷ و مضامین قبل از آن و از آن، یک دوره کامل در مورد انجیل یوحنا برگزار کنید. ۱۷، دو و سه، وقتی عیسی این کلمات را گفت، چشمان خود را به آسمان بلند کرد و گفت، پدر، ساعت فرا رسیده است.

پسرت را جلال بده تا پسرت نیز تو را جلال دهد. جلال متقابل پدر و پسر و بله، روح، هرچند که او زیاد این را نمی‌گوید، زیرا تو به او اختیار تمام بشر را داده‌ای، چرا؟ تا به همه کسانی که به او داده‌ای حیات جاودان ببخشد. اوه، یک دقیقه صبر کن.

اگر آنها برگزیده شده‌اند، آیا از قبل حیات جاودان ندارند؟ نه، آنها فقط برای این منظور انتخاب شده‌اند. همانطور که سامری‌ها به ما می‌آموزند، خدا پسرش را برای نجات جهان تعیین کرد.

یوحنا ۴، و پسر، حیات بخش است. او حیات جاودان می‌بخشد؛ این را به دو صورت می‌گویم: به هر کسی که به او ایمان بیاورد، این درست است. او همچنین به کسانی که پدر به او داده، حیات جاودان می‌دهد، و به نوعی، او می‌تواند با این دانش که چه کسی ایمان می‌آورد و چه کسی ایمان نمی‌آورد، کنار بیاید. خوشحالم که او می‌تواند از پسرش بر بیاید چون نمی‌دانم چطور می‌توانست از پسرش بر بیاید، اما در واقع معتقدم که او به خوبی از پسرش برآمد.

وای. مضامین شگفت‌انگیزی در آن چند بیت اول در هم تنیده شده‌اند، و این حیات جاودان است. برای ما تعریف شده است.

واقعاً؟ بله. به طور جامع؟ نه، خیلی بزرگ است. این زندگی ابدی است.

این مفهوم خیلی بزرگ است. آنها تو را، ای خدای یگانه حقیقی، می‌شناسند، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، می‌شناسند. حیات جاودان، شناخت پدر و پسر است.

یک لحظه صبر کنید. آیا این آیه برای فرقه‌ها نیست؟ این آیه پدر را خدای حقیقی می‌نامد و نمی‌گوید که خدای پسر او را از خدای حقیقی متمایز می‌کند. بله، اما خیلی از این حرف‌ها را تکرار می‌کند. حیات ابدی نه تنها شناخت پدر، بلکه شناخت پسر نیز هست.

از این رو، پسر با پدر برابر است. خدای حقیقی به پسر، به پدر، به قول ما، به عنوان شخص اول، برجستگی می‌بخشد. گذشته از همه اینها، روح مجسم نشد، بلکه فقط پسر مجسم شد، و پدر مجسم نشد، بلکه فقط پسر مجسم شد، و در این مجسم شدن، نه یک وابستگی ذاتی، بلکه یک وابستگی اقتصادی یا عملکردی وجود دارد.

حیات جاودان، شناخت پدر و پسر است. چه زمانی؟ همین حالا. یعنی حیات جاودان، رابطه‌ای است.

یعنی فقط کمی نیست. مرگ ابدی هم کمی است. انسان تا ابد باقی می ماند.

اما این همچنین کیفی است. زندگی ابدی به صورت نسبی تعریف می شود. این شناخت خداست.

کتاب مقدس تعلیم می دهد که دین وجود دارد. و فقط نگویید، من دین ندارم، من یک رابطه دارم. یعقوب ۱ کلمه دین را هم به صورت منفی و هم به صورت دین کاذب به کار می برد.

آن دین چه فایده ای دارد؟ و دین واقعی، واقعی و پدری در برابر خدا و پدر این است. سرکشی از بیوه زنان و یتیمان در سختی هایشان و خود را از آلودگی دنیا دور نگه داشتن. اما زندگی مسیحی، این است. دین وجود دارد.

مراسم مذهبی و دعا کردن و برخاستن و نشستن و خواندن سرودهای مذهبی و گوش دادن به کلام خدا و شرکت در شام خداوند وجود دارد. همه اینها دین است. از نظر کتاب مقدس، دین چیزی بیش از این است.

به طور سنتی، ما نه از نظر کتاب مقدس، بلکه به طور سنتی بین الهیات، که مربوط به آموزه های مسیحی است، و دین، که مربوط به اعمال مسیحی است، تمایز قائل می شویم. در اینجا، آنچه در هر دوی آنها نفوذ می کند، شناخت پدر، پسر و البته روح القدس است. این سخنرانی را با بیان هدف به پایان می رسانیم.

طبق شمارش یوحنا، عیسی نشان داد که سه بار زنده بوده است. این به آن معنا نیست که او فقط سه بار ظاهر شده است. اما یوحنا سه بار را می شمارد و این درست است که او سه بار ظاهر شده است.

نمی گوید که او فقط سه بار بر شاگردانش ظاهر شد. به طور خاص، هدف از بیان این جمله، ظهور توماس و شک به توماس است. پروردگار من و خدای من، یوحنا ۲۰، ۲۸، توماس می گوید.

عیسی به او گفت، آیا چون مرا دیدی ایمان آوردی؟ خوشا به حال کسانی که مرا ندیده اند و ایمان آورده اند. عیسی معجزات بسیار دیگری در حضور شاگردانش انجام داد که در این کتاب نوشته نشده است. آخرین آیه انجیل یوحنا اغراق آمیز است.

این یک اغراق است. حال، عیسی کارهای بسیار دیگری نیز انجام داد که تک تک آنها باید نوشته می شد. گمان می کنم خود جهان گنجایش کتاب هایی را که نوشته می شدند، نداشت. این اغراق مقدس است.

این یه اغراق مقدسه. یه لحظه صبر کن. مگه نه اینکه پسر ابدیه؟ بله.

و بنابراین شما نمی توانید کارهایی که او در ازل انجام داده است را بشمارید. بله. اما این آیه در مورد ازل گذشته صحبت نمی کند.

داره در مورد اقتصاد صحبت می کنه. داره در مورد پسر مجسم شده صحبت می کنه. و حتی در مورد نشانه ها هم چیزی نمی گه، بلکه خیلی چیزهای دیگه می گه.

بله، چیزهای بی شمار، اما تعدادشان محدود است. منظور یوحنا این است که پسر خدا کارهای شگفت انگیز زیادی انجام داد. در مورد آیه ۲۰:۳۰ هم همینطور.

عیسی نشانه‌های بسیار دیگری غیر از آیات ۸ یا ۹ باب ۷ که یوحنا ثبت کرده، انجام داد. با خواندن نوشته‌های کاستنبرگر، به نوعی فکر می‌کنم شاید رستاخیز یک نشانه نباشد، بلکه جوهره‌ای باشد که رستاخیز عیسی به آن اشاره دارد، بلکه جوهره‌ای است که سایر نشانه‌ها به آن اشاره می‌کنند. چیزی که مرا گیج می‌کند، فصل ۲ است. چه نشانه‌ای نشان می‌دهد که نشان دهید اختیار پاکسازی معبد را دارید؟ و سپس بلافاصله عیسی رستاخیز خود را پیش بینی می‌کند.

بنابراین، من نمی‌دانم و وقتی قبلاً این را تدریس کردم، گفتم که مطمئن نیستم. بنابراین، اکنون بیشتر مطمئن نیستم زیرا کاستنبرگر می‌گوید همه این غول‌ها معتقدند که رستاخیز واقعی است که نشانه‌ها به آن اشاره می‌کنند.

گذشته از همه اینها، نشانه چیست؟ واقعیت نیست. یک آخ است. بنابراین، من الان ۶۰٪ به درست بودن آن باور دارم، و آن درخواست نشانه برای نشانه در فصل ۲ را می‌بلعم، و من چه اهمیتی ندارم؟

عیسی معجزات بسیار دیگری در حضور شاگردانش انجام داد که در این کتاب نوشته نشده است. یوحنا گزینشی عمل کرده است. نویسندگان انجیل مورخ هستند.

یوحنا داستان سرهم نمی‌کند، اما چیزهای زیادی برای انتخاب داشت. او نسبت به متی، مرقس و لوقا، زمان بسیار بیشتری نسبت به پطرس، متی و لوقا داشت تا در مورد آنچه عیسی گفت و انجام داد فکر کند. او انجیل یوحنا را به ما ارائه می‌دهد، که می‌توان آن را به یک رودخانه تشبیه کرد، و در واقع بچه‌های کوچک می‌توانند در این رودخانه بازی کنند و چیزهای خوب زیادی به دست آورند و کلی خوش بگذرانند، اما به خاطر خدا، فیل‌ها می‌توانند در این رودخانه شنا کنند و باید مراقب باشند که غرق نشوند.

این نشانه‌ها نوشته شده‌اند تا شما ایمان بیاورید. معجزات بارها نوشته و انتخاب شده‌اند، همراه با موعظه‌ها. من هرگز نمی‌گویم که یحیی با سرهم کردن چیزها، خلاقانه اشتباه می‌کند.

او عمیق‌تر از سه نویسنده‌ی اول انجیل فکر می‌کند. او وقت کافی دارد. او چیزهایی را که آنها بارها حتی به آنها اشاره نکرده‌اند، کنار هم می‌گذارد.

آنها چنان غرق در داستان بی‌واسطه‌ی عیسی بودند. اینها نوشته شده‌اند تا شما به چه چیزی ایمان بیاورید؟ اینکه عیسی پسر مریم و یوسف، مسیح مسح‌شده، مسیح موعود اسرائیل است. پسر خدا، حاکم الهی انسانی پادشاه اسرائیل و اینکه با ایمان آوردن به او، می‌توانید حدس بزنید که چه حیاتی به نام او وجود دارد.

بنابراین یک شمول بزرگ وجود دارد، یک شمول بزرگ، همان ویژگی زبان را تکمیل می‌کند. در واقع، همان کلمه حیات در یوحنا ۱:۳ و در ۲۰:۳۰. به یاد داشته باشید، تقسیم‌بندی‌های فصل‌ها الهامی نیستند. در سخنرانی‌های بعدی‌مان، به امید خدا، به بحث نجات ادامه خواهیم داد، اما اکنون، در مورد اینکه پدر مردم را به سوی عیسی جذب می‌کند، پسر مردم را از مردگان برمی‌خیزاند، پسر مردم را نجات می‌دهد، و به امید خدا، با «از قبل» و «هنوز نه» نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد الهیات یوحنا است. این جلسه ۱۸، نجات، حیات ابدی است.